

## بخشی از جهات سیاست شوروی در ایران

سیاست شوروی در ایران جلوه های گوناگونی دارد، چه بیانات مختلفی را در بر میگیرد که گاهی بظاهر با یکدیگر در تضاد می افتند ولی همه آنها در خدمت هدف واحدی قرار دارند که عبارت است از حفظ رژیم کمونی ایران، توسعه و تعمیق نفوذ همه جانبه خود در کشور، تبدیل مین ما بیک کشور وابسته به شوروی و گردانیدن ایران در جهت منافع اقتصادی سیاسی و نظامی خویش. البته در دنیای امروز، در شرایطی که امپریالیسم های غرب و در رأس آنها امپریالیسم امریکا، امر اقتصادی و سیاسی و نظامی ایران را شدیداً بخوش و باستمرار ساخته اند و طبقه حاکمه به سرکشی شاه نه میخواهد و نمیتواند بیوغ وابستگی امپریالیسم غرب را از گردن خویش بردارد، در شرایطی که نفت ایران و بطور کلی نفت خلیج فارس بوی دنیای غرب دارای اهمیت حیاتی است، تامین این هدف بطور کامل امکان پذیر نیست ولی قدر مسلم اینکه زمامداران شوروی در راه چنین هدفی کام بر می آورند و باید اعتراف کرد که به موفقیت های قابل توجهی نیز نائل آمده اند. طی ده سال اخیر اتحاد شوروی توانسته است در کنار امپریالیسم غرب در ایران جایی جای نسبتاً مهمی - برای خود بگشاید.

سیاست نواستعماری شوروی که بطور عمیق نقاب سوسیالیستی آن نمیتوانست از پشتیبانی خلق های ایران برخوردار گرداند. کزیر به نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی و در درجه اول بر شاه که عنصر ثابت سیاست ایران است تکیه زد. شاه نیز کمپز تخم ماهیت و حزب و ولایت شوروی، از همسایه شمالی دیگر دولت و هراسی در دل نداشت، تا آنجا که منافع امپریالیسم غرب زبانی نمیدید، به استقبال سیاست شوروی شتافت.

سیاست رسمی اتحاد شوروی در مقابل ایران، پشتیبانی از شاه و آرایش سیاست اسارت آوری، تأیید درستی اقدامات نواستعماری وی و مقابله با نیروهای انقلابی در مبارزه با خطر آزادی و استقلال است. زمامداران شوروی با اتخاذ این سیاست میکوشند از شاه امتیازات تازه و تازه تری بگیرند و نفوذ خود را در ایران گسترش دهند و تحکیم کنند. کشورهای باصطلاح سوسیالیستی افکار شوروی نیز هر یک بنوبه خود در پیشرفت این سیاست بختی ایفاء میکنند.

در کنار این سیاست رسمی پشتیبانی صریح و بی پرده از شاه، سیاست گروهی که خود را "حزب توده ایران" مینامد خود نمایی میکند. سیاست این گروه در اساس و ماهیت خود همان سیاست رسمی شوروی یعنی پشتیبانی از شاه و تأیید اقدامات وی است. استعنتها در شکل اندکی متفاوت است. در اینجا پشتیبانی از شاه صریح و آشکار نیست، در پرده است. شاه که کارگردان اصلی رژیم ایران است گویا بر طبق قانون اساسی ایران، از سؤلیت برخوردار است، اقدامات نواستعماری وی همه مثبت ارزیابی میشود ولی البته بدون ایراد هم نیست. رژیم وی در مرکز آنک نیست ولی گشاه آن از نعمت نصیری است که در رأس سازمان امنیت بهبود مردم را دستگیر میکند و شکجه میدهند فقدان آزادیهای اجتماعی، وضع تاجور اقتصادی، بالا رفتن قیمت ها، عدم تامین مسکن... همه بعلمت بی لایقی نخست وزیر است، اختصاص مبالغ هنگفتی از ز به خرید اسلحه از کشور های غربی ( البته اگر خرید از اتحاد شوروی صورت میگرفت متنگی پیش نمیاورد) جداً قابل انتقاد است و از این قبیل. این گروه در مقابل نیروهای انقلابی برعکس بسیار سخت گیر است: در برنامهون آنها افکار مسموم می پراکند، مبارزه مسلح جوانان بیجان آمده را میکوبد، در صفوف نیروهای ضد شاه و ضد رژیم نفاق می افکند. چنین است نقش ارگانهای تبلیغاتی این گروه بویژه "راد یوی پیک ایران" که از کمک بیدریغ و "برادرانه" دولت شوروی و کشورهای دست نشانده شوروی بقیه در ص ۲

نخواهند نشست. محمد رضاشاه و آمرگزارش این خنجر را بخوش حس میکنند و از این جهت همانطور که اصلاحات ارضی را بنظر جلوگیری از انقلاب دهقانی به پیش کشیدند صحنه سازی آزادی زسان را بنظر جلوگیری از قیام زنان در کار مردان بسرا انداختند. هیئت حاکمه ایران با تبلیغات روزنامه ها و مجلات متذلل خویش میکوشد که آزادی زنان را بمعنای "آزادی جنسی و شرکت در خدمت طبقات پوسیده و جلوگیری از زنان ربابان ست بگشاند. روزی نیست های حزب توده ایران میکوشند با تکیه بر مسائل خانوادگی نظیر حق طلاق، حق ارث، حسی مسکن و غیره آزادی زنان را در تساوی با مردان خلاصه کنند و زنان را در چارچوب منافع فرعی نگه دارند. ولی چگونه می توان این گونه حقوق ویژه زنان را در جامعه ای بدست آورد که مرتجع ترین طبقات در زیر پرچم امپریالیسم بران حکومت میکنند؟ تا زنجیر استعمار کمروما گسیخته نشود گرهی از کار توده زنان ایران گشوده نخواهند شد. البته زنان در هیچ لحظه ای نباید از مبارزه در راه احراز حق تساوی با مردان باز ایستند ولی هرگز نباید از یاد ببرند که مبارزه عمده در کشور ما برای عموم طبقات و قشرها، برای زنان و مردان مبارزه ملی و ضد امپریالیستی است و در اینجا است که باید زنان و مردان روش بدوش هم گام بردارند.

این حقیقت را زنان آگاه ایران دریافته اند و در طرس سی سال اخیر هیچگاه مبارزات ملی و ضد امپریالیستی خلقی ما از شرکت زنان محروم نبوده است. اینک نیز بندریج که کنار زار انقلابی گرم میشود زنان مبارز قدم میدان میگذازند. سازمان امنیت از آن عده از دختران و زنانی که در مقاومت مسلحانه بر ضد رژیم شرکت جسته و برخی از آنها در یکی دو سال اخیر بدست دشمنان اسیر شده اند کمتر سخن میگوشد تا افکار عمومی را کمتر برانگیزد. ولی عمه کس با شناخت سازمان امنیت اند که این دختران و زنان برومند در جانگانه ترین شرایط و در زیر سخت ترین شکنجه های جسمی و روحی بسر میبرند. و همه کس با آشنایی به طغان جامعه ما میدانند که این دختران و زنان زندانی نبوداری از توده وسیع زنان بندگمل ایران اند. وجود آنها در میان مبارزان و زندانیان سیاسی نشانه دیگری از زنده بودن خلق ما و بقیه در ص ۲

هیچ انقلاب بزرگی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید، و انقلاب ایران که باید یکی از مسلح ترین حکومت های خاورمیانه را از میان بردارد و امپریالیست های رنگارنگ و سوسیال امپریالیسم شوروی را از مین ما براند بدون تردید از نیروی عظیم زنان مایه خواهد گرفت. زندگی زنان زحمتکش زنان شالی کار، پنبه چین، قالیباف، توتونکار، کارگر، خیابانه، دانشجو، معلم و کارمند - شرایطی برای مبارزه آنها فراهم آورده است. زنان بنایه افراد زحمتکش بارکوشکن استعمار و استعمار را بمانند مردان برودند و رنج و درد فقر و اسارت را بنشانه، مادران بیش از هر کس دیگر احساس می کنند. نیروی فدکاری آنها بی پایان است.

"چه ملت وحشتناکی میبود ملت فرانسه، اگر فقط از زنان تشکیل میشد" - این جمله معروف را یکی از مترجمان هراس زده فرانسه نوشت که در آدرگاه تاریخی کمون پاریس مشاهده کرده بود که زنان با چه دل و جرأتی توپ های انقلاب را از جنگ سربازان روسی بدر آورند و در زیر باران گلوله بیاری زخی ها و به جمع آوری فشنگ برای انقلاب شتافتند. این جمله حاوی اشارهای به حقیقت تاریخی در باره هموزنان جهان است.

تاریخ مبارزات خلق ما بیاد میآورد که در اعتصاب عظیم اسفند ۱۳۳۰ در خونریزان زنان کارگر بندر محصور باشت - های گره کرده بجلوی تانک های سنگین ارتش شاهنشاهی آمدند و برخی از آنها کودکان شیرخوار خود را نیز در آغوش داشتند. لنین کبیر میگوید: "چنین نخواهد بود که زنان برلن - ریائی دست روی دست بگذارند و بنامنا بنشینند که چگونه بوزواری سزایا مسلح، کارگرانی را که بد مسلح شده اند و یا اصلا مسلح نشده اند بگلوله می بندد. آنها اسلحه خواهند گرفت".

این سخن در باره زنان زحمتکش خلق ما که با فرسایند ترین و خونخوارترین و مذلت بارترین رژیم دست نشا ننده استعمار طرف اند و هنوز قریب از عیزان تیرباران شده خود را می شنوند و از سرزنش زندانیان زنده بکور خود خون میخورند نیز صادق است. برای خلق ما یگانه چاره کار در مبارزه متشکل توده های قهرآمیز تحت رهبری طبقه کارگر است و مسلماً در این مبارزه زنان دست روی دست نخواهند گذاشت و بنامنا

## مسئله ایرانیان مقیم عراق

است، هم از طرف امپریالیست ها و هم از طرف سوسیال امریالیست ها پشتیبانی میشود، نقش ژاندارم خلیج فارس را بر عهده او گذاشته اند. از لحاظ عمق و ماهیت، از همه رژیم های مرتجع خاورمیانه هم مرتجع تر است. هرجر جایی که حکومت محمد رضاشاه را تضعیف کند ما آ بسود خلق ایران و خلق های دیگر خاورمیانه است.

ولی متأسفانه عمل دولت عراق در مورد ایرانیان مقیم آن کشور طوری است که به حکومت مغرور ایران فائده میرساند. در صحت این نکته تردیدی نیست که دولت ایران از وجود تعداد گنیر ایرانیان مقیم عراق برای پوشاندن جاسوسان خود و ارتکاب جنایات استفاده کرده و میکند. و وظیفه دولت عراق است که لا نه های جاسوسی محمد رضاشاه را که در واقع کین گاه های امپریالیستی است در کشور خویش ویران گرداند و عا سازمان امنیت را بکفر برساند. ولی این اقدام نه فقط بمعنای حق آزار توده ایرانیان مقیم عراق نیست بلکه فقط با پشتیبانی و دستگیری آنها میتواند بهترین وجه انجام گیرد. ایرانیان مقیم عراق اگر در مردمان زحمتکشی هستند و بنخمن میتوان گفت که ۵۰٪ کارگر و ۴۰٪ آنها صاحبان مشاغل کوچک و از خرد بوزواری اند. آنها با خلق زحمتکش عراق پیوند دیرینه دارند و در لحظات تاریخی در صفوف مشترک مبارزه گردانند. در پیکار ملی بر علیه استیلا و وحشیانه عثمانی و سپس بر علیه امپریالیسم خوانخوار و حیل کار انگلستان چه بسا ایرانیان عراق که همراه برادران عراقی خود بزندان افتادند، بسه هندوستان تبعید شدند و یا بضمارت رسیدند. در ۱۹۴۸ که دولت دست نشانده صالح جبر پیمان نظامی استعماری پرتسمورت را امضا کرد بسیاری از ایرانیان مقیم عراق نیز در شمار مبارزان ضد پیمان بودند و سقوط بقیه در ص ۲

در مورد ایرانیانی که اخیراً از عراق اخراج شده اند باید تأثر هم میهنان ما را از شک تساح شاه و هیئت حاکمه اسراز جد اگرد. کسانی که در خاک میس ما میلیون ها تن ایرانی شریف زحمتکش را در کوره فقر و اسارت میگذازند از سرزنش دردناک چند ده هزار تن دیگر چه غم دارند؟ در کشوری که آوارگی و بیخانمانی امر رایجی است برپا کردن چند اردوگاه در میز ایران و عراق برای "معا و دان" فقط بخاطر نمایش به خیرنگاران و نمایندگان خارجی است و یا بنشابه دمی است که بازگشتگان را از همان خط مرزی غربال میکند و هر کارگر و زحمتکش آگاه را بچنگال سازمان امنیت می سپارد. در کشوری که از کمترین آزادی اجتماعات بی بهره است و عطای مذ هیش بجم حق گوئی در سیه چال های سازمان امنیت و یا در تبعید بسر میبرد تشویق و ترتیب تظاهرات بسود "برادران دینی" اخراجی از عراق جز سو استفاده از همدردی و خشم مردم یا کدل بسود سیاست عمیقاً ارتجاعی شاه، جز منحرف ساختن افکار عمومی از علل اصلی صائب عمده اجتماعی ( یعنی حکومت تبهکار کودتا و سلطه اسارتگر امریالیسم ) مقصد دیگری ندارد. دستگاه های تبلیغاتی محمد رضا شاه مذتهاست که ببهانه مشاجرات با دولت عراق باختر انواع اخبار تحریک آمیز میخوانند چنین جلوه دهند که گویا در خاورمیانه حکومتی سیاه تر از حکومت ایران میتوان یافت و گویا درنده ای در این صفحات کمین کرده است که از بیم ا و باید به گرگی مانند محمد رضاشاه پناه برد. بر ماست که ایسین تبلیغات را افشا کنیم و نشان دهیم که رژیم محمد رضاشاه ک زافیده کودتای امپریالیستی است، تا را جگر منابع ثروت ما و دسترنج خلق ما است، ریشه آزادی را از ایران برکنده است و افزاری مانند سازمان امنیت در اختیار دارد، تا دندان مسلح

### دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

برخی از جهات سیاست... بقیه از ص ۱ برخوردار است.  
این گروه با انتقاد رفیق از جوانب مختلف رژیم ایران  
میکنند شاه را هرچه بیشتر بسوی اتحاد شوروی براند و نفوذ  
شوروی را در ایران بگسترانند. و به "استقلال و حاکمیت"  
ایران که گویا در قبول سلطه امپریالیسم شوروی است تحقیق بخشید  
لحن ایرادات و انتقادات و اگرچه بنا بر اوضاع و احوال  
شدت و ضعف پیدا میکند ولی شاه به اهمیت نقش مثبتی که گویا  
بیک ایران در حفظ و حراست رژیم بازی میکند بخوبی واقف است  
و به آن بدیده تأیید نمیگرد.

جلوه‌ای دیگر از سیاست شوروی تاکیک استفاده از  
لغین شاه و برانگیختن مبارزه، حتی مبارزه مسلح علیه رژیم وی  
است. این تاکیک که با دست‌عمل وی در اینجا و آنجا جامه  
عمل می‌پوشد در نهایت استار انجام میگیرد و تشخیص وابستگی  
آن به شوروی کار آسانی نیست. اتحاد شوروی با بکار بردن  
این تاکیک از یکسور مبارزه مسلح خلق را براه نادرستی می  
کشاند آنرا در انتظار بی ثمر و بی اعتبار جلوه میدهند و  
هارا از آن روی گران میکنند و از سوی دیگر با شرکت و دخالت  
خود در مبارزه مخالفین، از کار، اهمیت و نقشه‌های آنها اطلاع  
می‌یابد و بر حسب شرایط آن زمان بسود سیاست خود بهره‌بردار  
میکند.

هنگاری هیئت دبیران گروه رومینویست حزب تود مایران  
با درخیز خلق‌های ایران تصور بختیاری که از پرده بدر افتاد  
نمونه چنین سیاستی است. این هنگامی که با دست‌رادش در  
اول گروه رومینویست مرحله عمل درآمد که بعراق رفت و بسا  
بختیار ملاقات و مذاکره کرد. اما تماس با بختیار در عسراق  
آنها با دست‌رادش ممکن نبود پنهان ماند. راز نپنهان  
از پرده و بر روی افتاد و داغ رنگ بر پیشانی گروه رومینویست  
خورد که برای کار نگه داشتن خود و اربابان شوروی خود از  
این معرکه شرم آور، اینگونه شایع کردند: "گویا بسا  
ابتکار شخصی خود به ابتکار دست‌زده و هیئت دبیران را در  
جریان اقدام خود نگذاشته است. اما واقعیت چنین نیست.  
این آقای "دبیراوی" بدون نظر حقیقی مقامات مادیون شوروی  
بقول معروف "آب نیخورد و بهمین علت نیز مورد اعتماد کامل  
شورویا بود و هم شورویها بودند که علی‌رغم بی لیاقتی و خطای  
های فاحش و نابخشودنی وی که شمیری از اعشار آنها برای اخراج  
وی از حزب کافی بود، او را در مقام "دبیراوی" نگاه داشتند  
و از او تجلیل فراوان کردند. با این حال چگونه میتوان تصور  
کرد که چنین کسی در چنین مسئله‌ای که حیثیت شوروی بحیثیت  
گروه رومینویست و حتی حیثیت شخصی وی را در مخاطره می  
انداخت، راسا بدون نظر مقامات شوروی و بدون اطلاع هیئت  
دبیران چنین اقدامی مبادرت جست باشد؟ چنین امری  
در زمره "حالات است. بر کار ساختن او از مقام "دبیراوی"  
اخراج او از هیئت اجراییه و حتی از کمیته مرکزی درست بخاطر  
آن صورت گرفت که مسئله این اقدام بدوش شخصی وی انداخته  
شود. در این شورویها و گروه رومینویست را نگیرد و به سیاست  
شوروی در ایران خلی وارد نگردد.

هنگاری با بختیاریها کارگر چه با هم مخالف سیاست سترو  
نیمرسی شوروی مینمود ولی در خدمت این سیاست بود زیرا  
از راه آن شورویها میتوانستند فعالیت بختیار را زیر نظر و شاید  
هم در اختیار بگیرند، نقشه‌های وی را خنثی کنند یا بخواه  
جلب اعتماد با اطلاع شاه برسانند و حتی در مواقع لازم وی را  
وسیله ارباب قرار دهند و شاه را رام نمایند.

پس از قتل بختیار، شورویها تاکیک تازه‌ای در پیش  
گرفتند و این بار افراد دیگری از سکر راهی عراق کردند که در  
آنجا به تشکیل گروه‌های پارتیزانی، آموزش و تسلیح آنها  
بپردازند و بطور غیر قانونی به ایران اعزام دارند تا در آنجا  
جنگ پارتیزانی براه اندازند. این بار رومینویست‌های حزب  
توده ایران بمتاب پیشگیری، عوامل اعزامی خود را به عراق  
از "حزب" "خارج" کردند تا پای آنها و دولت شوروی در  
میان نباشد. اما این آقایان که مانند کبک سرخود را زیر برف  
کرده‌اند خیال میکنند دیگران هم وابستگی این عناصر را به  
مقامات امنیتی شوروی نمی بینند.

سرنوشت این گروه‌های پارتیزانی بر همه کس معلوم  
است. به محض ورود به ایران، یکی از افراد "میهن پرست"  
گروه که عرق پیش جوش می‌آید رفقای جوان و بیگناه خود را به گلوله

مسئله ایرانیان مقیم عراق بقیه از ص ۱ دولت صالح جیسر  
و القاء پیمان را با برادران عراقی خود جشن گرفتند. در  
۱۹۵۶ تعدادی از ایرانیان در تظاهرات خونین بر ضد دولت  
نظامی نورالدین محمود برفاک افتادند و برخی از آنها بوسیله  
دولت بایران تحویل داده شدند. نهضت ملی کردن صنعت  
نفت و روی کار آمدن دکتر مصدق به نیروهای ملی و ضد امپریا-  
لیستی عراق الهام بخشید و در آن موقع محافل ایرانیان مقیم  
عراق بصورت کانون‌های پرشور ضد استعمار در آمد. و آنگاه  
که محمد رضا شاه در ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ از بیم خلق ایران به  
بعد از کبک‌خلاق عراق و ایرانیان مقیم آن کشور دست در  
دست هم با اعتراض برخاستند و جلاد ایران را از بغداد بسه  
مُ فراری ساختند. در ۱۹۵۶ که تجاوز امپریالیست‌های  
انگلیس و فرانسه و صهیونیست‌های اسرائیل بر کشور مصر روی  
داد و بلاگیری از ایرانیان مقیم عراق بعلت شرکت در تظاهرات  
به پشتیبانی از مصر زندانی و در محاکم نظامی عراق محکوم  
شدند. ایرانیان مقیم عراق در جشن سقوط سلطنت در آن کشور  
با برادران عراقی خود شریک بودند. ایرانیان مقیم عراق با زندگی  
سیاسی میهن خود از نزدیک آشنا هستند. از جنایات محمد-  
رضاشاه و سازمان امنیت او بخوبی باخبراند و کینه و نفرتی بی  
پایان از رژیم کودتا در دل دارند. اگر حکومت عراق حکومتی  
ملی و متکی به توده‌ها بود بخوبی میتوانست از این نیرو برای  
افتاء جاسوسان سازمان امنیت ایران و خنثی کردن تحریکات  
محمد رضاشاه استفاده کند و کانونی انقلابی بسود خلق‌های  
ایران و عراق بوجود آورد. اما بدیهی است که حکومتی کسه  
برخاسته از خلق نیست و در برخورد عای خود با دولت ایران  
به آدم کشی نظیر بختیار متوسل میشود قادر به چنین تشخیص  
و اقدامی نخواهد بود. حکومت عراق نتوانسته است بین توده  
ایرانیان زحمتکش و فرستادگان سازمان امنیت و عوامل مزدور  
انگشت شمار آنها فرق بگذارد و بالنتیجه از یک سو خاندان-  
های بیگانه را بدست آوارگی و بیخامانی - و از همه بدتر  
بدست رژیم ایران - سپرده و نفرت همگان را برانگیخته و از سو  
دیگر زمینه تازه‌ای برای بهره‌برداری عوام فریبانه محمد رضا-  
شاه که استاد اینگونه بهره‌برداری‌هاست فراهم آورده است.

ما ضمن ابراز تأثر تمام از مصائبی که در اثر بازگرداندن  
ایرانیان مقیم عراق دامنگیر آنها گردیده یقین داریم که آسان  
پس از تماس با واقعیت میهن خویش و آشنائی بیشتر با پیش-  
استیداد محمد رضاشاهی با عنری راسخ تر از همیشه در کنار  
میلیون‌ها مردم زحمتکش دیگر در راه سرنوشتی رژیم دستنشانند  
کردن تا بیکسار خواهند کرد.

می‌بند و آنها را مانند بک برفاک میریزد. بدینطور سق  
فرزندان صمیمی و از جان گذشته میهن ما از همان آغاز بدخو  
خود می‌غلطند برای آنکه بی‌پودگی و بی ثمری مبارزه مسلح  
به "اثبات" برسد و بهانه‌ای بدست‌راد بیوی بیک ایران اقتد  
تا مبارزه مسلح را بباد انتقاد و ناسزا بگیرد و جوانان را از  
این راه منصرف سازد.

این مامورین ایرانی سازمان امنیت شوروی بدون احسنا  
نرهای شرم و نرهای عاطفه انسانی جوانان میهن ما را بسه  
کشتن میدهند تا سیاست شوروی در ایران با موفقیت فرین گردد  
چنین است روی دیگر سیاست شوروی در ایران. و این هنوز تمام  
نیست.

کشور عراق اکنون لا نه مامورین ایرانی سازمان امنیت  
شوروی است. آیا دولت عراق تصور میکند با دست‌عناصر  
از قماش بختیار و عوامل رومینویست‌ها میتواند با شاه و دولت  
ایران در ارفند؟ آیا ناگامی‌های گذشته کافی نیست که دولت  
عراق را اندکی به تأمل وادارد؟

ما برآنیم که مبارزه جدی و بی گمراه علیه عمل شوروی، به  
هرشک و صورتی که ظاهر شوند شرط موفقیت نیروهای انقلابی  
میهن ما است. اینها دشمنان خلق‌های ایرانند، گرانسی  
هستند بر لباس میش که باید آنها را شناخت و شناساند و بی  
اثر کرد. دوستان جبهه ملی در خاورمیانه ضمن افتاء ایسن  
عناصر در نشریه خود "باختر امروز" بحق این نابکاران را  
"عله ظلمه" میخوانند و بحق با آنها مبارزه برخاسته‌اند. ما در  
این مبارزه، مانند هر مبارزه انقلابی دیگر علیه شاه و رژیم وی،  
علیه حامیان بیگانه و خودوی، نه تنها از دوستان جبهه‌ملی  
پشتیبانی میکنیم بلکه با آنها در سنکرواحدی قرار گرفتیم.

آفرین خلق بزندان... بقیه از ص ۱ الهام بخش انقلابیون  
ایران است.

افتخار دختران و زنان مبارز آنگاه نمایان تر میشود  
که در نظر بگیریم که در جامعه ما امکان آگاهی سیاسی و شرکت  
در مبارزه اجتماعی برای زنان بسیار کمتر و مشکل و خطرات  
این امر برای آنها به مراتب بیشتر است. وظیفه همه انقلابیون  
حقیقی ایران است که بلزوم شرکت زنان در مبارزه از سه دل  
ایمان داشته باشند و در راه تحقق این امر با شکیبایی و برد-  
باری تمام بکوشند.

دختران و زنان زندانی، آفرین خلق بر شما باد  
درد بهمه دختران و زنان بیکسارجوی ایران!

سند رسوائی بقیه از ص ۱ رفتار پیشمار آنهسا  
خبرورسجف جای هیچ گونه ابهامی باقی نماند است. وی بر آن  
بود که استثمارگر و استثمارزده، دولت استعمارگر و دولت  
مستعمره و وظیفه ای مقدم تر از آن ندارند که در زیر سایه "قانون"  
اصلی و اساسی زندگی جامعه گزینی "یعنی همزیستی مسا-  
لت آیز بسر برند. وی معتقد بود که روزگار صلاح انسی  
فرقی بین جنگ عادلانه و غیر عادلانه وجود ندارد و چون هر  
جنگی که خلق‌ها بر ضدستم برانگیزند به جنگ جهانی انسی  
خواهد انجامید و وظیفه رومینویست‌ها کوشش در فرزنداندن آن  
است. وی در گذره ۲۰ حزب کمونیست شوروی یکی از "بنا-  
رات صلح جوانانه" حزب و دولت شوروی را صریحا عبارتند  
از "برانداختن کانون‌های موجود جنگ در خاور و امکان‌انداز  
به پیدایش کانون‌های جدید جنگ و تصادم در اروپا و آسیا".  
وی خائنه در راه خاموش ساختن جنگ قهرمانانه خلشق  
و تنسنام قدم گذاشت، بنظرو اینک امپریالیسم فرانسه را در  
سرکوب خلق الجزیره تشجیع کند و از سعادت به نهضت مقاومت  
خلق الجزیره خود داری ورزد نهضت مذکور را "امرد اخلسی"  
فرانسه نماید، رضایت داده که ارتش تحت فرمان امپریالیسم  
امریکا و بنام سازمان ملل متفق به سرکوب نهضت ملی و استقلال  
طلبانه خلق کسکو برود و قتل لومبوسا را تدارک ببیند،  
در حادثه دریای کارائیب که برانگیخته سیاست ماجراجوانه  
خود او بود در برابر شانتاژ امپریالیسم امریکا به فضیحت  
تاریخی تن در داد و حاضر شد که کشتی‌های جنگ امریکا  
ناوهای شوروی را در پهنه اقیانوس آرام بازرسی کنند و برچیدن  
موشک‌های انسی در خاک کرپا از طرف سازمان‌های تحست  
نظارت امریکا کنترل شود. وی بنام همزیستی مسالمت‌آمیز  
سیاست شوروی را در پشتیبانی از حکومت محمد رضا شاه جفاف  
بنیاد نهاد.

آنچه بیانیه رومینویست‌های حزب توده ایران تحست  
عنوان "سیاست خردمندانه اتحاد شوروی و رفیق خروشجف"  
تاکید کرد اصول چنین سیاستی بود.

رومینویست‌ها در بیانیه خود حزب پراختار کار آلپانی  
را بناسبت پایدار در ایران مارکسیسم - لنینیسم بیاد دشنام  
گرفتند و حزب کمونیست چین را بناسبت پشتیبانی از او  
مورد ملامت قرار دادند.

از آن بعد رومینویست‌های حزب توده ایران با سرفتی  
بیش از پیش در سرانسیب رومینویسم، اپورتونسیسم، آرایش رژیم  
کردتا، سازش با محمد رضاشاه، پیروی بی چون و چرا از رژیم  
نیست‌های شوروی، تمجید بند و استهای چنانخورا نه امریسا -  
لیسم امریکا و سوسیل‌لامپریالیسم شوروی، دشمنی افکار گسیخته  
با حزب کمونیست چین و حزب کمونیست آلبانی و همه  
مارکسیست‌ها - لنینیست‌ها و همه انقلابیون صمیمی ایران  
در غلطی شدند.

امروز خروشجف که رومینویست‌ها "شخصیت بی‌سوز  
و برجسته" اش می‌ستودند و لاف می‌زنند که "تاریخ نام وی را  
بسبب خدمت‌اش به سوسیل‌لیسم و صلح تجلیل خواهد کرد" در  
سزلسه تاریخ افتاء ماست و شاگردانش نظیر برزخه کاسکین  
یادگورنی - در انتظار چنین سرنوشتی به خیانت به مارکسیسم -  
لنینیسم، به منافع طبقه کارگر جهانی، به مصالح حیاتی خلق -  
های گیتی و از آن جمله خلق شوروی ادامه میدهند. رومینویست-  
نیست‌های حزب توده ایران نیز کزیری از این فرجام زشت  
نخواهند داشت و بیانیه در باره "وضع بین‌المللی حزب توده  
ایران" برای همیشه همچون داغ تاریخی سنگینی بر پیشانی  
آنها باقی خواهد ماند.



### استعمار و مبارزه در خلیج فارس

بانک های خارجی در خلیج فارس:

سرمایه انگلیسی، بر بسیاری از بانک های منطقه خلیج سلطه دارد و بانک انگلیس در تمام این جزایر و جزایر کوچک ترین بانک است. شیخ خلیج غالباً برای وام ها و وامانات خود را به بانک های سوئد و انگلستان میسراند زیرا که همگداری آنها در ادخال خاکه خورشید اطمینان دهنده است.

بانک صادرات ایران در کوچک ترین دهکده ساحلی دارد.

شرکت های انحصاری نفتی:

- ۱- شرکت نفت کویت که سهام آن ۵۰٪ در دست آمریکا و ۵۰٪ در دست دولت انگلستان است.
- ۲- شرکت نفت عربی را این کشور منطقه ای بین عربستان و کویت عمل میکند.
- ۳- شرکت اسپانیایی هینسپونیل.
- ۴- شرکت نفت بحرین که در دست آمریکا است.
- ۵- شرکت سویراویل که در دست آمریکا است.
- ۶- شرکت نفت قطر که شرکت نفت بریتانیا، شرکت نفت فرانسه، هل، نیجرسی هرک ۲۳٪ در دست آنهاست.
- ۷- شرکت ننگ که در دست راجیل میکند.
- ۸- شرکت نفت ابوظبی که در نباله شرکت های نفتی عراق است.
- ۹- شرکت دریایی نفت ابوظبی که ۶۹٪ سهام آن در دست شرکت نفت بریتانیا و ۳۱٪ در دست شرکت نفت فرانسه است.
- ۱۰- شرکت فلیپین و شرکت آمریکا که در ابوظبی است.
- ۱۱- شرکت زاپنی نفت ابوظبی.
- ۱۲- شرکت های میتسویشی در ابوظبی.
- ۱۳- شرکت دریایی دین که انگلستان در دست است.
- ۱۴- شرکت نفت دین که ۷۷٪ سهامش در دست آمریکا و ۲۳٪ در دست آلمان می باشد.
- ۱۵- میسون بین آمریکا در شارجه.
- ۱۶- شرکت کینتال آمریکا در عمان و امان.
- ۱۷- شرکت بویم در جزیره گامانی است.
- ۱۸- شرکت شل در رأس الخیمه (مرکز شرکت هلند و انگلیس).
- ۱۹- شرکت بهره برداری نفت عمان که ۸۰٪ سهامش در دست شرکت شل و ۱۰٪ در دست شرکت نفت فرانسه است.
- ۲۰- شرکت وترفشل در عمان در مناطقی بحرین عمل میکند.

### در فلیپین

سه سال پیش در ۲۶ ژانویه سال ۱۹۶۸ حزب کمونیست فلیپین تجدید سازمان یافت و در یک نامه صحیح که مراند آشن روزیونینو تطبیقاً در کمیسیون لنینیسم در شرایط خاص کشور است رهبریسپار کردید. حزب کمونیست فلیپین بید رنگ به رهبری مبارزه انقلابی ملی و مکران دست زد و در مارس ۱۹۶۹ ارتش نوین توده های را بنیاد نهاد. مبارزه مسلحانه در فلیپین در آرای سابقای طولانی است ولی برای آنکه این مبارزه به رهبری فلیپین قطعاً نائل آید لازم بود که حزب کمونیست فلیپین از سیاست وشوهای فلیپین مارکسیستی - لنینیستی رهاش یابد و ارتش نوین توده های موجود آورد. و این کاری بود که پس از سه سال ۱۹۶۸ انجام گرفت. این ارتش بر طبقه امپریالیسم آمریکا قوت الیمنوس میباید از نیروهای آمریکا در فلیپین جدا و امروز آنکه نیرومند است که واحد ها مستند شمن را بصورت گروهی از سیاست در می آورد و بر اساسها و با رگا های او عمل میکند.

دشمن در رهتازویه "۱۹۷۰ به عملیات بزرگ در آیش" (عملیاتی بقصد "پاک کردن" محل از نیروهای انقلابی) دست زد ولی ارتش نوین توده های عملیات عمده کویر را در هم شکسته به رهبری درخشا نائل آمد بطوری که کشتی مطبوعات و وابسته رژیم نیز با سرسینگی اعتراض کردند که کمونیست پارتنری از دشمن آری و فلیپین عمل میکند. در زمینه دوم ۱۹۷۰ دشمن بعد از ابا استفاده از هواپیما توپ و زره پوش و چند هزار سرباز به عملیات محاصره اوجا پرداخت. اما ارتش نوین توده های با استفاده از توپخانه جنگی پارتنری نخست از درگیری با دشمن احتراز از زمین به بیاید آری دست زد پس از آنکه وی را فرود ساخت ضریات قطعی بر او وارد آورد.

ارتش نوین توده های در سال ۱۹۷۱ انیشتیانی توده های وسیع تری برخوردار شد و به رهبری های متعدد نائل آمد و بیست و شش تن از افراد نیروهای ولتی را از صف نبرد خارج کرد. در آری همان سال عملیات محاصره اوجا دشمن که یک هلیکوپتر را نشتک در ناحیه پایام و منطقه کوهستانی بوندوک باندرا صورت گرفت در هم شکستید. در سپتامبر همان سال در دهکده اوچونگی درگیر شد که آن ۲۰ افسر و سرباز ارتش ولتی بقتل رسیدند. حزب کمونیست فلیپین هم مبارزه مسلحانه بشمول است و هم برای اجرای انقلاب با رضی و استقراریا که های انقلابی به هم اکنون مناطقی پارتنری متعدد دی در فلیپین وجود دارد. کار رهبران حزب فرماندهان ارتش بر روستا ها فرقه بین توده ها به تبلیغ میگردانند و آنها را سازمان میدهند و مسلح میگردانند. پس از طریق در هکاتان تحت رهبری حزب توانستند ارگان های اقتصادی سیاسی و موزیک یعنی کمیته های انقلابی و کمیسیون های تشکیل وجود آورند. همچنین در روستا ها فرم ارض انجام میگیرد و خاکستان مستبدان محلی از زمین بر نه میشوند.

حزب کمونیست فلیپین در ره هائی برای آموزش ایدئولوژیک ترتیب داد و در همان زمینه و وسیله آموزشی میباید سازمان فلیپین را تشکیل دهند و عملیات ارتش نوین توده های شرکت جست برای دشمن در هم شکستند و بر سر راه او زمین میگذرانند و اسلحه و مهمات بدست می آورند و غیره

مبارزه در شهر هکتان تحت رهبری حزب کمونیست فلیپین جریان دارد. کارگران، کارمندان، دانشجوین، اصناف، معلمان، پزشکان، صاحبان صنایع کوچک در شهر مانیل بارها بنظر اعتراضات ضد آمریکائی دست زد و داندو شمار آنها چنین است: "مرده بسا" امپریالیسم آمریکا. مرد های قوت الیمنوس. آمریکا شپا از کشور میروند. "با این طریق جنبش بر دمنقود های بر طبقه آمریکا که خد اوند کارگران کشوران بوجود آمده است.

با بنیاد سیاست سه سالگی تجدید سازمان حزب کمونیست فلیپین بنیان جزب بر دمنقود فلیپین توده میفرستیم.

### در عمان

دولت رسمی تایلانده ولی است کاملاً وابسته امپریالیسم آمریکا و در آنجا از بیخود های هند و چین شرکت دارد. از این جهت مورد تفرقه می باشد. قریب ۳۲۰۰۰۰ تن از دهقانان مبارزه فعال بر ضد این رژیم فلیپین جلب شده اند. طبقه کارگریز روموا تعرض قرار دارد. در سال ۱۹۷۱ در رنگاهای متعلق به انحصارهای سرمایه داری خارجی بیش از ۸۰٪ انحصار روی داد. دانشجوین با صنایع وحشی کارخانه دارند که در انحصار سیاست سرمایه داران خارجی روشنگر شده اند با قدامات میهن پرستان دست زدند.

در سال ۱۹۷۱ مبارزه مسلحانه خلق تایلانده رهبر حزب کمونیست تایلانده که حزب واقعاً مارکسیستی - لنینیستی است. گسترش بسیاری یافت و ۱۷۰ بخش از ۳۸ ایالت تایلانده را در بر گرفت. در این سال قدرت سیاسی انقلابی خلق که در نقاط متعدد دی برپا شده است بسط و استحکام پذیرفت. ارتش توده ها نجات بخش تایلانده میبویند نزدیک با خلق دارد به تعرض های متعدد بردشمن دست زد و عملیات در آیش (عملیاتی که دشمن بقصد "پاک کردن" محل از نیروهای انقلابی انجام میدهد) را در هم شکست. بیش از ۷۰۰ نیروی توده ای ۱۷۰ سروسا دشمن کشته میفرارید اسپر شدند. ۵۵ هواپیمای دشمن و ۲۷ وسیله با رهبری و تخریب شد. بیش از ۴۰ یا سگاه پلیس و "کارگران دهکده" برانگشت. مقام پزیزادی اسلحه و مهمات بدست آمد.

جنبه رهائی بخش توده های خلیج عربی اشغال شده که در طرف مبارزه پیروزنده مسلحانه تجزیه استعمارگران انگلیسی و خد امپریالیسم است جزوای بنام "اطلاعات ابتدائی در باره خلیج عربی اشغال شده" انتشار داده است که خلاصه بخش آزان را از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم:

در پایان رساله "مذکر فلهستی از انحصار امپریالیستی و سایر شرکت های خارجی در جنوب خلیج عربی" میگویند در دهکده که چون توده آری روشن اسلحه استعمار خلیج است آن را ذیلا از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم:

بعضی از شرکت های انحصاری در خلیج:

- ۱- شرکت کری کنوی ۲۰- شرکت برق بریتانیا ۳۰-
- شرکت هواپیمائی خلیج ۴۰- شرکت آلومینیوم در بحرین (در سال ۱۹۶۸ موافقت نامده ایمنه عقد شد بنظر ارجاع کارخانه آلومینیوم در بحرین با این طریق که مواد خام از استرالیا آورد بشود و تصفیه آنها را ساختن لوازم خانگی در بحرین انجام گیرد. بموجب موافقت نامه مذکور میبایست ساختمان کارخانه در ریپان ۱۹۷۱ بخانه ساخته باشند. موافقت نامه را در شرکت سوئی و انگلیسی امضا کرده اند) ۵۰-
- شرکت سنت قطر ۶۰- شرکت استرالیا که با حکومت قطر و سرمایه داران قطر تشکیل شده است و مواد خام را از بحرین در دست می آورد. شرکت مذکور در ۱۹۶۹ افتتاح شده است) ۶۰- شرکت ماهیگیری روسی

## رهائی خلق ایران در پیروزی جنگ توده ای است

در باره سرمایه‌گذاری خارجی بقیه ازش صنعتی در کشور صنعتی دیگر با سرمایه گذاری کشورهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه مقایسه‌ای سطحی است که قادر به جوابگویی جفا یقی نیست ، زیرا این دو سرمایه گذاری هر دو به یک نتیجه مطلوب نمی‌رسند . . . بین مقاصد و هدفهای سرمایه‌گذاری ایران و هدفهای رشد و توسعه اقتصادی کشورهای کوچک اختلافی فاحشی وجود دارد . ( کههان هوئی ، ۴ دیماه ۱۳۵۰ )

این امر که در جهان امپریالیسم کشورهای بدو گروه کشورهای صنعتی پیش‌رفته و کشورهای عقب‌مانده تقسیم میشود که فاصله آنها سال بسال فزونی میگردد ، مورد تردید هیچکس نیست و این است که آثارهای سازمان ملل متحد نمودار است . اصطلاح " کشورهای در حال رشد " درست بخاطر پوشانیدن این واقعیت تلخ است واقعتی که تیره امپریالیسم است و تاکسیری خود را واقعا از زیر بلطف و نفوذ امپریالیسم بیرون نکشد . هراند اژ هم که مانند ایران در باره توسعه اقتصادی و آهنگ رشد سالیانه خود سرو صدا براه اندازد ، نه تنها کشوری عقب‌مانده و وابسته به امپریالیسم باقی میماند بلکه از کشورهای صنعتی پیوسته بیشتر و بیشتر فاصله میگردد ، وابستگی آن روز بروز تشدید میشود . تقسیم بین المللی کار در جهان امپریالیسم به کشورها پیشرفته ، اولیه محصولات صنعتی و کشورهای عقب‌مانده ، تولید کنند و مواد اولیه و خام از ماهیت امپریالیسم نشأت میگردد . مداد فرمان استعمار نوین ندا بر میدهند که امپریالیست‌ها با سرمایه گذاری در کشورهای عقب‌مانده مانند ایران بهیاری این کشورها خواهند شناخت ، آنها را از عقب‌ماندگی بیرون خواهند آورد و هم تراز کشورهای صنعتی خواهند کرد . ولی در میان این کشورها حتی یکی را هم بعنوان نمونه نمی‌پایند که لاف‌ها فاصله خود را با کشورهای صنعتی اندکی کوتاه کرده باشند . برعکس خندنی که این دو گروه کشورها را از هم جدا میکند پیوسته عمیق و بیشتر میگردد . آیا سرمایه داران خارجی اقتدر احق و دیوانه‌اند یا اقتدر دلشان برای خلق ایران میسرود که بنظر صنعتی شدن کشور ما و تبدیل آن بیک کشور صنعتی میلیارد دلار سرمایه گذاری کنند و با دست خود رقیبی برای محصولات صنعتی خوش‌فراشند ؟

در گذشته سرمایه‌های امپریالیستی در کشورهای عقب‌مانده بخاطر تحصیل مواد اولیه مانند نفت ، کائوچو و فلزات ، مواد خام کشاورزی بکار می‌رفتند اکنون نیز بطور عمده چنین است مقاصد و هدفهای سرمایه‌گذاران اینست که کشورهای عقب‌مانده همچنان به تولید مواد اولیه و خام بپردازند و کشورهای صنعتی تولیدات صنعتی و تکنیک را همچنان در دست‌خوش نگه‌دارند .

حالا این مدافع استعمار نوین فریاد بر می‌آورند که ما زور ایران بدوریم ، موسسات صنعتی کشور رشد تولید اقتصادی و کشاورزی را نمی‌بینیم ، واقعیت را قربانی "ایدئولوژی" کرده‌ایم و ترهاتی از این قبیل .

در دنیای پس از جنگه امپریالیسم برای مقابله با مبارزه خلق‌های کشور ما بخاطر آزادی و استقلال ، برای ادامه سلطه استعماری خود و گسترش آن ، تدابیر تازه‌ای اتخاذ کرده که ایجاد برخی مؤسسات صنعتی در ایران از زوره آنها بود . این "صنایع" بطور عمده صنایع " مونتاژ " است یا صنایعی که مواد اولیه آنها از خارج وارد میشود محصولات آنها نیز بنام بنز ، سیترون ، گودیر ، جنرال ، دایرپو ، جنرال استیل ، بایرو . . . یعنی بنام اصلی و با مارک مخصوص خود آنها بازارهای ایران و برخی ممالک مجاور عرضه میشود . حتی صنایع روشن نباتی ما از لحاظ دامنه‌های روفنی در گروه بیگانگان است .

امروز همه کم میفهمند که "صنایع مونتاژ" با صنعتی شدن کشور تفاوت بسیاری دارد . این امر را حتی طبوحت مسزور تهران نیز نتوانسته‌اند بیوشانند . به بنیاد تهران اکنون نیست باجه لحم از این صنایع سخن میراند ، ( ما بخاطر اختصاراً بعضی جملات آن صرف نظر میکنیم )

"سالمها بود که دول بزرگ . . . کارها را بین ممالک جهان تقسیم کرده بودند . . . زیرا معتقد بودند که بیک مانند ایران قالی ، انگوزه ، پنبه و کتیرا بسازد و صادر کند ، دیگری در مقابل آن صادرات اتومبیل و پارچه و سایر کالاها را مصرفی به اولی تحویل دهد . . . کمک دیدند این سیاست دیگر خریدارند . . . دیگران نوع تقسیم قابل ادامه نیست . . . بکار افتادند . . . مرحله جدیدی را پیش می‌آورند . . . این پارسی کردند او لا

صنایعی را به آنها واگذار کند که خودشان از آن سیر شده‌اند و استفاده آن کمتر از سایر رشته‌ها است از قبیل نساجی ، ثانیا سعی کردند در آن کشورها صنایع مادر و صنایع اساسی ایجاد شود ، ثالثا حتی المانک صنایعی به آنها تحویل دادند که برای تهیه مواد اولیه خود محتاج خارجه باشند .

" . . . بسیاری از رشته‌های صنعتی جدید ما در واقع صنعت نیست ، مونتاژ هم نیست بلکه نوعی واسطه‌گری است ، زیرا باید هم مواد اولیه آن از خارج وارد شود ، هم ماشین آلات آن و چه بسا حتی متخصصین آنهم باید از خارجه بیایند . بنا براین نقشی که در واقع نقش یک واسطه است که این عوامل را با هم ترکیب و تطبیق نماید و کالاهای تحویل دهنده که ظاهر ساخت ایران است ولی باید گفت ساخت خارجه است منتسبی در ایران تبدیل به شکل جدیدی شده است و ما سازنده نیستیم بلکه تبدیل می‌کنند و هستیم آنهم تبدیل‌کننده و شکل‌دهنده آن .

" اینهمه صنایع فلزی که داریم قسمت عمده کارشان تغییر شکل ورق‌های آهن و فولاد است و اینهمه صنایع پلاستیکی که داریم کارشان فقط تبدیل خمیر است . . . حق آن بود که اول بکار تولید مواد اولیه آن میقتادیم و سپس بکار وارد کردن ماشین آلات آن و الان نقشی که کشورهای صنعتی از صدور کالاها می‌ساخته شده بدست می‌آورند اکنون از راه فروش کالاها می‌ساخته بدست می‌آورند ، زیرا کشورهای در حال توسعه بخیر آنکه خود سازنده آن کالاها هستند مصرف آنرا تشویق میکنند و باز کشورهای صنعتی نفع خود را از راه افزایش مواد اولیه آنها بدست‌خواهند آورد .

" این مسخره بازی بی‌است . موقع آنست که باین صحنه‌ها خاتمه دهیم " نویسنده این سرمقاله که معلوم نیست به اقتضای چه شرایطی ، واقعیت را اینگونه عریان منعکس ساخته خود میداند و میدانند که به این " مسخره بازی " نمیتوان خاتمه داد زیرا این امر جزئی از برنامه امپریالیسم در زمینه "صنعتی کردن کشورها است که چاکران امپریالیسم و از جمله خود نویسنده مجری آن میباشد .

نظیر این تضاد در باره سرمایه گذاری خارجی در سرمقاله روزنامه اطلاعات ( ۳ اسفند ۱۳۴۸ ) منعکس است :

" در سالهای اخیر . . . گروه زیادی از صاحبان صنایع وارد گشنگان مستقلا با کمک سرمایه‌داران و تولیدکنندگان خارجی برای تأسیس واحدهای صنعتی اقدام کردند که قطعات اصلی یا مواد اولیه این صنایع به نسبت های مختلفو البته بصورت قطعات منقل و مواد مجزا از خارج وارد در ایران ترکیب و یا " مونتاژ " میشود و میشود . . . بدیهی است که این سیستم و حتی مواردی را که نسبت استفاده از فرآورده های داخلی در تولید صنعتی برتر است بیشتر است نمیتوان بحساب توسعه صنعتی گذارد .

چنین است ماهیت سرمایه‌گذاری امپریالیست‌ها در "صنایع" کشور ما که در واقع جلوگیری از ایجاد صنایع در نقاط صنعتی کردن کشور است بدیهی است سرمایه‌گذارانی که کشورهای صنعتی در کشورهای دیگر نه چنین هدفی را دنبال میکنند نوع و کیفیت کار سرمایه‌ای اینگونه است . سرمایه‌های آمریکا بی در کشورهای صنعتی آلمان یا ژاپن دست به تأسیس صنایع " مونتاژ " نمیزنود نمیتواند هم برزند . همینطور سرمایه‌های ممالک اروپا وقتی در آمریکا بکار می‌افتند ، از آخرین تکامل تکنیک مد میگیرند ، از عوامل بسیار دیگری نیز استفاده میکنند برای آنکه محصولات آنها در رقابت با محصولات مشابه پیروزی بدست‌آورد ، روزنامه کههان بد رستی می‌نویسد که " کیفیت جذب سرمایه‌های خارجی در کشورهای صنعتی و طریق بازگشت بهره و سود سرمایه‌ها و نوع و کیفیت کاری که این سرمایه‌ها در زمینه تولید صنعتی انجام میدهند با طریق فعالیت این سرمایه‌ها در کشورهای در حال رشد تفاوت فاحش دارد " ( همانجا ) .

سرمایه داران خارجی با ایجاد صنایعی که قطعات مجزایا مواد اولیه آنها در دست خود آنهاست بجای آنکه محصولات تمام شده را وارد کشور کند قطعات جدا یا مواد اولیه آنها را وارد میکنند . در ماهیت امر تفاوتی حاصل نشده است . ولی مزدورانی از قاش نیکخواه مردم را دلخوش می‌دارند که به فرمان شما هشتاد کشور ما در حال صنعتی شدن است . بعلاوه محصولات تمام شده در کشور را به بهانه حمایت از "صنایع" داخلی بقیعت - های انحصاری میفرشند . این محصولات بعلت عدم مرغوبیت

یا بالا بودن مخارج تولید و یا هزرد و از یکسو مانع ورود کالا های صنعتی مشابه نشیود و از سوی دیگر در بازارهای خارجی قدرت رقابت ندارد و بنا براین به صادرات کشور هم کمک نمی‌رساند و صادرات کامکان محدود و پیکالاهای " سنتی " است .

اما اگر شاه و دولت ایران را یاری آن نیست که به این مسخره بازی " خاتمه دهند ، برای سرمایه داران امپریالیست این مسخری بازی حدودی دارند ، بی‌شود نیست که سرمایه‌داران بزرگ به ندای مداوم و کسالت‌آور شاه و مقامات دولتی ایران دافع سرمایه‌گذاری در ایران یا سخن مشتقی نمیگویند .

شک نیست که میهن ما بدون سرمایه امپریالیستی و در مبارزه با سرمایه امپریالیستی صنایع واقعی خود را ایجاد خواهد کرد ولی برای اینکار باید ابتدا رژیم توانستیماری گیتی را سرنگون ساخت و نفوذ و سلطه امپریالیسم را از بین ببرد اخت .

از یکجا باید شروع کرد بقیه ازش ۶ او ، دشواری های عظیم مبارزه نلزمیکار ستادی ولژوم احتراز از نقشه‌های تخیلی و موفقیت‌های زودگذر راهمیشه یا آورشوم . در برابر دشمنی که ارتش ، ژاندارمری ، پلیس ، سازمان امنیت ، نادگستری و سایر ادارات دولتی را بپاسداری خود گاشته و به امپریالیسم و سیو سیال امپریالیسم تکیه داده است جز با نیروی مجبزه و یک - پارچه و جز با ستادی آزروده نمیتوان ایستاد و پیروز شد .

تا بود کردن چنین دشمنی فقط بوسيله " دستگاه ثابت قدمی میسر خواهد شد که همه قوای خلق را تجهیز کند و در تمام جنبه‌های ایدئولوژیک ، سیاسی و نظامی - و نه فقط نظامی - مبارزه طولانی - و نه تصادفی و گذرا - دست بزند . البته در حالی که دشمن دارای ارگان‌های آماده ای است ما باید در زیر گلوله باران او به سرمایه‌گیری و سازماندهی ستاد رهبری بپردازیم و این امر چه بسا که با شکست‌های تلخ روبرو خواهد شد و قربانی بسیار خواهد طلبید . ولی این شکست‌های موقت هرگز نباید قدرت شکنجایی را از ما برباید و مارادارستان و پرداختن سلاح پیروزی که وحدت و تشکیلات برهبری طبقه کارگر است بازدارد .

جالب توجه است که از جماعتی که شب اول در اشرف رایگان بودن تئاتر وارد تالار شده اند هیچکس نمیتواند باین سؤال که چرا به تئاتر نمی‌آید جواب بدهد یعنی هیچکس علت محرومیت‌های خویش را درک نمیکند . حتی کارگری که از میان تالار برخاسته است و با کارگردان گفتگو میکند آغوشی و آگاهی اجتماعی ندارد که در پاسخ وی بگوید : " زیرا که توانا سادی ندارم " . کارگردان می‌کوشد مطلب را با وحالی کند و بالاخره حالی نمیشود .

آیا آگاهی اجتماعی خلق ما در چنین سطح نازل است ؟ اگر اینطور است پس چگونه انتظار می‌رود که وی فقط با شنیدن صدای مسلسل از جای برخیزد و برای ایجاد تحول اجتماعی قد علم کند ؟

حقیقت اینست که چنین تصویری از خلق ما و بویژه از طبقه کارگر ما که سوابق دیرینه و سنن والای مبارزه جوشی دارد درست نیست . منظر روشن فکرانی که از دور به طبقه کارگر ندا می‌زنند نباید منظر انعکاس مجبزه آمیز ندای خود باشند زیرا که پیوند روشن فکران با طبقه کارگر از نوع پیوندی که در عرصه تئاتر بین هنرمندان و تماشاگران بوجود می‌آید نیست . این پیوند در عرصه مبارزات مشترک و در شب‌دوش و از طریق سازمان حزب طبقه کارگر حاصل میشود . البته در کشورهای که اثری از آزادی‌های دموکراتیک ندارد و گرفتار سلطه موقت اهرمین سازمان امنیت است ایجاد و تحکیم پیوند با کارگزاران و دهقانان با دشواری‌های سهمگین روبرو است ولی از آنجا که تاریخ در جهت زوال رژیم موجود سیر میکند مسلطاً غلبه بر دشواری‌ها امکان پذیر خواهد شد و این‌ریگانه ضامن پیروزی بدست خواهد آمد .

عنوان مکاتبات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی  
X GIOVANNA GRONDA  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

درباره سرمایه گذاری خارجی

اراده "شاهنشاه" براین تعلق گرفته است که طرف ده سال آینده کشور کوروش کبیر از لحاظ قدرت اقتصادی در ردیف زاپین قرارگیرد...

این رشد عظیم اقتصادی را از چه منبعی میتوان تأمین کرد؟ از طریقی جلب هرچه بیشتر سرمایه های خارجی به کشور اینست که تمام مقامات دولتی ایران از نخست وزیر و وزیر اقتصاد و دیگر وزرا گرفته تا سفرا و مقامات پایین تر همه به تکاپوی...

در کارگاه این تلاش مقامات رسمی، نویسندگان مزدور و اهمیت سرمایه گذاری خارجی، در قبولانیدن آن به مردم ایران در مطبوعات مقالاتی مینویسند و دلالی اقامه میکنند...

عجب آنکه در مردم ایران به ترهات نویسندگان وضعی می گذارند و نه سرمایه داران خارجی علی رغم اینهمه تلاش تبلیغاتی و تسهیلات آن استقبالی را که نمایندگان ایران انتظار دارند...

مردم ما بحق با سرمایه گذاری خارجی مخالفت میورزند بحق با کفران سرمایه گذاری در تهران مبارزه برخاستند زیرا جلب سرمایه های امپریالیستی به ایران فقط این تشره را...

همه گن میفهمند که مقایسه کشور عقب مانده های مانند ایران با کشور عظیمی مانند اتحاد شوروی و آمریکا، مقایسه کشوری که تحت استیلا امپریالیسم است با کشورهای بزرگ امپریالیستی...

سند رسوائی

نه سال از تاریخ میگذرد که روزیونیستهای های حزب بود ایران سند رسوائی بنام "موضع بین المللی حزب خود مایران در اسفند ۱۳۴۱ (روزنامه مردم) انتشار دادند...

میکنند دوران ما دوران انقلابات است، فقط انقلابی که تحت رهبری طبقه کارگر باشد به پیروزی نهائی خواهد رسید...

روزیونیستهای های حزب توده ایران چگونه نمیتوانستند مواضع ضد مارکسیستی خود را در باره اینهمه مسائل فاش کنند...

در شرایط کنونی، مقدم شمردن هر شعار دیکتوری، هر فرهنگ از لحاظ نهضت بین المللی کارگری و مبارزه خلق ها...

این جمله و بیان دیگری از بدعت غرورشچف بود که می گفت: اصل همزستی مسالمت آمیز "قانون اصلی و اساسی زندگی جامعه کنونی" است...

اگر روزیونیستهای های ایرانی از بیم افکار عمومی میکنند که تا در گفتار خود محتاط باشند گفتار و بقیه در ص...

از کجا باید شروع کرد؟

فکر مقدس مقاومت قهرآمیز و مبارزه مسلحانه هر روز در میهن ما گسترش بیشتری می یابد و امید بخش پیروزی های آینده است...

نظر ما به داستان گزافه ای است بنام "از همه جا میخور شروع کرد". نویسنده صاحب قریحه داستان از روشن فکران ضد رژیم است...

دارند. تماشاگران می پندارند که نمایش آغاز شده است. کارگردان بجای می آید و فریاد میزند: "آتش!" و "پیش از آنکه مدعوین بخود آیند آتش رگبار بر سرشان باریدن میگیرد...

چنین است نتیجه گیری داستان: مردم و حتمی کارگران علت بیثباتی خود را نمیدانند و نه روشنفکری که میخواهد آنها را هدایت کند...

این نوع برخورد مبارزه قهرآمیز از عدم توجه به نقش طبقات و هیئت حاکمه و حکومت سرچشمه میگردد و ناشی از از رویان نادرست نیروی دشمن و کم یاهدادن به توده مردم است...

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همه شهیدان!